



موانع توسعه فرهنگ و تفکر اقتصاد اسلامی

دکتر سید کاظم صدر*

۱. طرح موضوع و هدف مطالعه

علیرغم گذشت نزدیک به ربع قرن از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ایران و تشکیل حکومت بر اساس موازین اسلام، مشاهده می شود که هنوز ارزشها و ملاکهای اسلام بر فعالیتهای اقتصادی حاکم نشده نهادهای اقتصادی لازم برای اجرای اهداف و موازین اقتصاد اسلامی تاسیس نگردیده و سیاستهای مالی و پولی دولت بر طبق الگوی اقتصاد اسلامی اتخاذ نمی گردد. در طی این مدت، هرازگاهی تذکراتی پیرامون به کار نگرفتن آموزه های اقتصادی اسلام از سوی علمای حوزه و دانشگاه داده شده و کنفرانسهایی برای طرح این مباحث برگزار گردیده است، اما این اظهارات و دستاوردها منشا اثر واقع نشده و بر روند سیاستهای بخش دولتی و رفتارهای بخش خصوصی تأثیرگذار نبوده است. هدف این مقاله بررسی علل پیشامد این پدیده است. در این مقاله دانش و تفکر اقتصاد اسلامی همانند سایر علوم و فنون یک خدمت و مهارت علمی تلقی می شود و در چارچوب یک الگوی تقاضا و عرضه، گسترش و به کارگیری آن مورد تحلیل قرار می گیرد. در این مقاله تلاش می شود تا عوامل مؤثر بر تقاضا و عرضه این خدمت شناسایی شده و علت عدم استفاده از آن را نتیجه اثر گذاری عوامل مزبور و؟ کمبود تقاضا و محدودیت عرضه آن قلمداد شود. برعکس ترویج و توسعه دانش اقتصاد اسلامی نیازمند توجه به عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای آن بوده و با تقویت و ارتقای آنها می توان این خدمت را از یک سطح تعادلی افولی به یک سطح عالی بالابرد.

۲. پیشینه موضوع و تحلیل اقتصادی آن

چنان که گفته شد در این مقاله از الگوهای اقتصادی برای تحلیل علت عدم گسترش دانش اقتصاد اسلامی و استفاده خواهد شد. در واقع از این دانش برای تولید سیاستهای اقتصادی، طراحی الگوهای اقتصادی و اجرای اهداف یک نظام اسلامی بهره گیری می شود. پس می توان آن را یک خدمت یا نهاد در فرایند تولید محصولات یادشده تلقی کرد و تقاضا و عرضه برای آن را همانند یک نهاد تولید تصور نمود. کمبود تقاضا و عرضه برای یک نهاد موجب می شود که هم مقدار و هم ارزش (قیمت) آن در حالت تعادل در سطح پائینی قرار بگیرد. این دقیقاً همان رخدادی است که در حال حاضر در اقتصاد ایران مشاهده می شود. برای گسترش میزان بهره برداری از این خدمت و ارتقای ارزش نیاز به شناسایی عوامل مؤثر بر نیروهای تقاضا و عرضه این خدمت می باشد. این عوامل را می توان از الگوی عرضه و تقاضای نهاد استنباط کرد و مشخص نمود. در بخشهای بعدی مقاله اشاره ای خواهد شد به گسترش فرهنگ و تفکر اسلامی در تاریخ توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی و اسپانیا تا از این تجربه برای توجیه الگوی ارائه شده و تبیین آن بتوان مدد گرفت. سپس وقایع پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مرور می شود تا علت عدم پیدایش زمینه برای استفاده و ارائه از این خدمت شناسایی شود. سرانجام توصیه هایی برای توسعه میزان استفاده و ارزش این خدمت ارائه خواهد شد.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که دین اسلام در مدت اندکی پس از ظهور، از محدوده جزیره العرب خارج شد و دامنه امپراطوریهای تمدن زمان خود یعنی ایران و روم را فرا گرفت. این آئین در آسیا ماندگار شد و علیرغم تصرف تمام پهنه امپراطوری ایران بزودی از محدوده تجربه تاریخی نشان‌میده که دین اسلام در مدت اندکی پس از ظهور، از محدوده جزیره العرب خارج شد و دامنه تامپراطوریهای تمدن زمان خود یعنی ایران و روم را فراگرفت. این آئین در آسیا ماندگار شد و علیرغم تصرف تمام پهنه امپراطوری ایران به زودی از محدوده آن هم فراتر رفت و حتی در دوران تضعیف حکومت خلفاء حاکم و فقط به برکت تلاش تجار مسلمان به سرزمینهای آسیای شرقی وارد شد و بخشی از محدوده دولت چین را فرا گرفت. برعکس در اروپا خلاف پدیده فوق اتفاق افتاد. علیرغم استقرار اسلام در نواحی افریقائی و برخی مناطق اروپایی امپراطوری روم، در اسپانیا آئین اسلام ماندگار نشد.

بدیهی است اسلام یک آئین جامع بوده و دارای ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. لذا، اقتصاد اسلام به ویژه احکام اخلاق و ارزشهای اقتصادی آن در جوامعی که آن را پذیرفته‌اند گسترش یافت. تبلیغ اسلام توسط تجار مسلمان در سرزمینهای مالزی و اندونزی نشان‌دهنده جاذبیت ارزشها و رفتارهای تجاری اسلامی است برای پذیرش آن در مناطق جدید، در عین حال به خاطر تدوین نشدن علم اقتصاد در آن دوران، دستاوردهای اقتصادی ملل مسلمان تحت عنوان الگوها و نظریات اقتصادی همانند آرائی فقهی و فلسفی ایشان و یا دستاوردهای علمی آنان در زمینه‌های طب و شیمی و سایر علوم ثبت نگردیده است.

در دوران جدید، پس از استعمار کشورهای آسیائی و افریقائی توسط اروپائیان، حرکت‌های آزادی بخش در کشورهای اسلامی آغاز گشت و تقریباً تمامی آنها به استقلال ملتهای مزبور منتهی شد.

چون نظام حاکم در کشورهای اروپائی سرمایه‌داری بود، استقلال از سلطه و استعمار ایشان خود به‌خود ضدیت با نظام سرمایه‌داری را به همراه داشت. از سوی دیگر، نظام جانشین در این دوران نظام سوسیالیستی حاکم در روسیه و چین بود. لذا، اکثر نهضت‌های آزادی بخش و استقلال طلب اعتقاد یا تمایل به نظامهای سوسیالیستی با همین نوع اقتصاد تأسیس شد و یا رژیم ملی و ملی سوسیالیست مستقر گردید.

در تکاپوی همین دوران است که اندیشه‌های اسلامی توسط علمای اسلامی مطرح می‌شود. آیت‌اله نائینی رساله «حکمت در اسلام» را منتشر می‌کند. در طی مبارزات مشروطیت خواهی در ایران نظام شروع در مقابل حکومت مشروطه مطرح می‌شود. علیرغم غالب شدن روشنفکران و تفکر غیر دینی، مطالعات اجتماعی اسلامی آغاز می‌شود و برخی نهادهای زیربنائی اقتصاد اسلامی پایه‌گذاری می‌شود. تدوین و تصویب قانون مدنی دستاورد بسیار ارزشمند و ماندگار این دوران می‌باشد.

در فرایند مبارزات ملی شدن نفت، نهضت اسلامی جان تازه‌ای در ایران پیدا می‌کند و اندیشه‌های اقتصاد اسلامی شروع به ظهور می‌کند. مرحوم آیت‌اله طالقانی نقش نهاد مالکیت در اسلام را مورد توجه قرار می‌دهد و امام موسی صدر به تحصیل علم اقتصاد می‌پردازد تا مکتب اقتصادی اسلام را تشریح نماید. بدیهی است این تلاشها پس از اقدامات و فعالیت‌های گسترده‌ای است که اندیشمندانی مانند علامه محمد حسین

طباطبایی برای ارائه مبانی فلسفی و اقتصادی مکتب اسلام تلاش مستمری را آغاز و شاگردهای ایشان نظیر مرحوم مطهری این راه را دنبال کرده و مسیر مطالعات اقتصادی اسلامی را هموار می‌کنند. در کشورهای عربی نیز، به ویژه در مصر و عراق، تلاشهای زیادی آغاز می‌گردد. تألیفات شهید محمدباقر صدر، فلسفتنا، اقتصادنا و مجتئنا، بارزترین آثار و دستاوردهای حوزه علمیه نجف می‌باشد که هم زمان ولی مستقل از ایرن صورت می‌گیرد. واضح است که اقتصاد نامشهودترین اثر شهید صدر می‌باشد و در تمام کشورهای اسلامی مرجع مطالعات اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد. در همین کشورها مؤسسات اقتصاد اسلامی نیز رفته رفته شکل می‌گیرند. در ایران صندوقهای قرض الحسنه تأسیس و گسترش و رشد قابل ملاحظه‌ای می‌یابند. در کویت برخی در صدر تأسیس بانک اسلامی برآمده و شهید صدر به تقاضای ایشان طرحی را برای تشکیل چنین بانکی ارائه می‌کنند.

۳. تجربیات پس از پیروزی انقلاب

پیروزی انقلاب در ایران زمینه بسیار مساعدی را برای تشکیل یک نظام اقتصاد اسلامی فراهم آورد. اما قدرت و تثبیت رژیم پهلوی، طولانی شدن مبارزات مردم و پیروزی غیر منتظره انقلاب ایشان موجب شد که طرحی مدون برای تشکیل نظام و اقتصاد آن از قبل تهیه نشود. در نتیجه روشن نبود چگونه ساختار اقتصاد و سازماندهی آن را باید تنظیم کرد تا جهت اسلامی به خود بگیرد. آنچه روشن و مدون بود طرحهای اقتصاد سوسیالیستی بود که احزاب چپ بر اجرای آن پافشاری می‌کردند. به همین خاطر پس از تصویب و تشکیل بسیاری از قوانین و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، پس از چهار سال قانون بانکداری بدون ربا تصویب شد و به اجرا درآمد.

مشکلات ابتدای انقلاب نظیر تحریم امریکا، جنگ تحمیلی، حرکت‌های تروریستی و فرار صاحبان سرمایه و کارخانجات باعث شد که مقابله با این مشکلات به ویژه تأمین مالی جنگ و ارائه خدمات رفاهی به مردم توسط دولت مقدم بر همه اهداف دولت قرار گیرد و فرآیند اسلامی شدن اقتصاد در اولویت واقع نشود. لذا از بانک مرکزی و بانکها برای تأمین بودجه دولت و مخارج جنگ کمک گرفته می‌شود و سیاستهای مالی دولت غالب بر سیاستهای پولی آن گردید. همین حوادث موجب شد که اجرای کامل قانون بانکداری بدون ربا و لوازم آن که آموزش و تربیت کارکنان بانکها و تغییر بینش متقاضیان بود مهمترینوظیفه بانک مرکزی قلمداد نشود، بلکه چنان که گفته شد، تأمین مالی بودجه دولت و جلوگیری از تورم قیمت‌ها به هر شکل نخستین اولویت بانک مرکزی محسوب شود.

در سایر بخشهای اقتصاد کشور اصلاً ضرورت اقتصاد اسلامی مطرح نگردید. مثلاً نظام مالیاتی نه مورد تردید واقع شد و نه حرتی در جهت اسلام کردن آن آغاز شد. همین‌طور، نظام تأمین اجتماعی، مدیریت خزانه و شیوه بودجه بندی و نحوه تنظیم درآمدها و تخصیص مصارف و برنامه‌ریزی برای آن مورد توجه قرار نگرفت. علیرغم مطرح و تصویب شدن قانون حدود فعالیت‌های بخش خصوصی، تعاونی و دولتی به هیچ وجه الگوئی از بیت‌المال مسلمین در نظر قرار نگرفت تا بر اساس آن فعالیت‌های اقتصادی تقسیم بندی

شود و نحوه کارکرد هریک از سه نهاد فوق روشن گردد. دخالت‌های مستمر دولت در قیمت‌گذاری و جیره‌بندی کالاها و خدمات، بلی کردن تجارت خارجی در چند سال نخست پس از انقلاب و اخیراً تجویز تأسیس بانکهای خصوصی و بالاخره بحث تعیین موارد مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی در شورای مصلحت نظام در سال گذشته و واگذاری بسیاری از فعالیتها به بخش خصوصی که در قانون اساسی در اختیار بخش دولتی قرار داده شده بود نشان همچنان از فقدان یک طرح و برنامه اقتصاد اسلامی است.

آموزنده‌ترین پدیده، طرح و تصویب چهارمین برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور است. آنچه در این برنامه و برنامه‌های پنجساله پیشین مورد توجه نبوده و همچنان قرار نمی‌گیرد روند اسلامی شدن اقتصاد ایران است. در عمل نظام اقتصادی از تمرکز و تسلط دولت به سمت عدم تمرکز خصوصی‌سازی پیش می‌رود. به هیچ وجه معلوم نیست که این روند در مسیر اسلامی شدن اقتصاد ایران است یا خیر. علیرغم شکل گرفتن روند یاد شده، هنوز نه اعضاء شورای مصلحت و نه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران اقتصادی نظام مدعی جدائی دین از اقتصاد نشده‌اند و قائل به این که اسلام دینی عبادی است و نه اجتماعی - اقتصادی نگردیده‌اند.

به طور خلاصه نه تقاضائی مؤثر برای تشکیل نهادهای اقتصادی اسلام پس از انقلاب پدیدار شده و نه طرح و تشکیلاتی مدون برای اجرای آن عرضه شده است.

۴. اولویتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام پس از انقلاب

درعین حال، غیر از جنگ فعالیت‌های بسیاری در مقاطع خاص یا به صورت دائم مورد توجه سیاستگذاران و به آنها بودجه‌های قابل توجهی اختصاص داده‌اند. از جمله این سیاستها دستیابی به انرژی اتمی و احداث کارخانجات مورد نیاز و تربیت نیروی انسانی لازم می‌باشد - آموزش دانش آموختگان برای شرکت و رقابت در المپیادهای علمی بین‌المللی و صرف بودجه برای آن از دیگر اقدامات مستمر وزارت آموزش و پرورش می‌باشد. در زمینه مذهبی تشکیل و تداوم مسابقات حفظ و قرائت قرآن و در زمینه ورزشی حمایت از تیمهای مخترف ورزشی سیاست حاکم می‌باشد. ملاحظه می‌گردد که در همه زمینه‌ها اولویتهائی برای دستگاههای مختلف وجود داشته و مسؤولین احتمال زیادی برای برگزاری و ادامه آنها مبذول داشته‌اند ولی خدمت اقتصاد اسلامی در اولویت هیچ یک از دستگاههای عمومی در خصوصی قرار نگرفته است.

۵. تقاضا و عرضه اقتصاد اسلامی

چنان که گفته شد از دانش اقتصاد اسلامی برای تهیه الگوهای مختلف توسعه اقتصادی اعمال سیاستهای پولی و مالی، اتخاذ سیاستهای رفاهی و سایر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی استفاده می‌شود. لذا، این فعالیتها را می‌توان محصول استخدام مهارت یاد شده در یک فرایند تولید در نظر گرفت. با این وصف با الهام از الگوی بنگاه می‌توان توابع تقضای مشتق و عرضه خدمت اقتصاد اسلامی را به صورت زیر تدوین کرد:

عرضه $x = \beta (r_1, r_2, r_3)$

تقاضا $x = g (r_1, r_2, T)$

X = میزان و سطح استفاده از دانش اقتصاد اسلامی

r_1 = طراحی و برنامه‌های اقتصادی بخش‌های عمومی و خصوصی

r_2 = قیمت این خدمت

G = قیمت سایر خدمات مکمل و جانشین

T = سطح دانش و تکنولوژی در دانشگاهها، مؤسسات تحقیقاتی و حوزه‌های علمیه

در تابع تقاضا، سطح استفاده از مهارت اقتصاد اسلامی در وهله اول به قیمت r_1 یعنی بهائی که متقاضیان حاضرند برای دریافت آن پردازند بستگی دارد. این قیمت شامل دستمزد نیروی انسانی ارائه دهنده آن هزینه طرحهای تحقیقاتی است که برای استفاده از آن باید انجام شود. چنان که گفته شد متقاضیان این خدمت در بخش عمومی عبارتند از: بانک مرکزی، بانکهای تجاری و تخصصی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت‌های اقتصادی کشور نظیر دارائی، صنعت و کشاورزی و کار و رفاه، سازمان بورسی اوراق بهادار، مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت و حوزه‌های علمیه. در بخش خصوصی متقاضیان عبارتند از بانکها و مؤسسات اعتباری خصوصی، صندوقهای قرض‌الحسنه، بنگاههای صنعتی و کشاورزی و خدماتی و دست‌اندرکاران در بازار کالاها و خدمات.

واحدهای فوق‌الذکر در واقع بنگاههایی هستند که در تولید برنامه‌های مؤلف خود، g ، که همان برنامه‌ها و خدمات اقتصادی است به ندرت از نهاده اقتصاد اسلامی استفاده می‌کنند. در نتیجه هم میزان به کارگیری خدمت اقتصاد اسلامی در تولید طرحها و برنامه‌های اقتصادی بخشهای عمومی و خصوصی کشور یعنی g کم است و هم بهائی که برای آن می‌پردازند، r_1 ، بسیار نازل است. این متغیر یعنی قیمت نهاده در تابع عرضه نیز عاملی مؤثر می‌باشد. منتهی باز به علت اندازه اندک آن باعث نمی‌شود که اقتصاددانان و یا دانشجویان سرمایه انسانی و برنامه مطالعاتی خود را به ارائه این خدمت اختصاص دهند. در نتیجه میزان خدماتی که از جانب محققان چه در زمینه آموزشی و چه پژوهشی و ترویجی ارائه می‌شود بسیار ناچیز است. پس، به تعبیر اقتصاددانان، تعادل برای این خدمت در سطح بسیار نازلی برقرار می‌شود.

عامل مؤثر دیگر بر تقاضا و عرضه این نهاده قیمت نهاده‌های جانشین و مکمل آن است. برای دانشگاهیان، این خدمت دانش فقه و منابع تفسیری، اخلاقی و تاریخی از یک طرف و دستیابی به مطالعات جدید اقتصادی از سوی دیگر می‌باشد. به علت ندانستن زبان عربی و نداشتن مطالعات حوزوی، کسب علوم حوزوی برای دانشگاهیان بسیار زمانبری و در بسیاری از شهرستانها دور از دسترس می‌باشد.

یعنی قیمت تام شده تحصیل این خدمات حوزوی برای دانشگاهیان بسیار زیاد می‌باشد. همچنین به علت محدودیت فرصتهای مطالعاتی خارج از کشور دستیابی به مطالعات جدید راحت و سریع نمی‌باشد. از طرف دیگر برای طلاب حوزه‌های علمیه نیز آموزش علم اقتصاد و آشنائی با کاربرد آن بسیار زمان بر و پر هزینه

است. در نتیجه قیمت نهاده مکمل خدمت اقتصاد اسلامی زیاد بوده و به همین جهت میزان قابل تحصیل آن کم می‌باشد. همین امر باعث می‌شود که تولید کرانه‌ای خدمت اقتصاد اسلامی زیاد نباشد. بالاخره، عامل دیگری که در تابع عرضه این خدمت مؤثر است، میزان تسلط و توانائی در به کارگیری و استفاده از این مهارت است در فرایندهای برنامه‌ریزی و سیاستگذاری برای مثال، بانکهای ما با ابزارهای نوین بانکداری اسلامی که هم اکنون در بسیاری از کشورهای اسلامی متداول شده است آشنا نیستند. همین امر باعث می‌شود که میزان عرضه خدمات بانکی اسلامی و یا به طور کلی اقتصاد اسلامی محدود باشد. همچنین علیرغم صدور خدمات‌تفنی مهندسی و پزشکی به خارج از کشور، قادر به صدور خدمات بانکی و مالی اسلامی نمی‌باشیم علیرغم آن که نظام بانکی ما به طور کامل و سراسری تبدیل به غیر ربوی شد و تجربیات زیاد و ارزنده‌ای در این زمینه پیدا کرد. به جز پاکستان و سودان، در سایر کشورهای اسلامی فقط تعدادی بانک اسلامی تأسیس شده‌اند.

۶. پیشنهادها

برای برون رفت از این تعادل تنزل یافته، به عوامل مؤثر بر تحریک تقاضا و عرضه خدمت مزبور توجه کرد. در وهله اول، با اختصاص بودجه‌های تحقیقاتی و فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی و آموزشی بهای این خدمت را برای عرضه کنندگان بالقوه یعنی دانشگاهیان و حوویان باید بالا برد. بسیاری از محققان خود اشتیاق فراوانی برای ارائه خدمت مزبور را دارند. اختصاص بودجه موجب فراهم شدن امکانات کتابخانه‌ای، رایانه‌ای و مطالعاتی ایشان برای این منظور می‌شود.

عامل دوم، فراهم کردن امکانات و تحصیلات و مطالعات مکمل اقتصاد اسلامی در حوزه‌ها، دانشگاهها و سایر مراکز علمی است. تشویق به انجام مطالعات مشترک و استفاده از تجربه‌های ناموفق در زمینه همکاریهای حوزه و دانشگاه و تلاش برای از سرگیری این همکاریها باعث ارتقای کیفیت و کمیت مهارت‌های اقتصاد اسلامی می‌شود.

شاید مهمترین عاملی که باعث انتقال تقاضا و اعتلای سطح تعادلی خدمت اقتصاد اسلامی می‌شود افزایش محصولات واحدهائی است که این نهاد را به کار می‌برند. در حال حاضر، چنان که تشریح شد، دستگاههای مجری انگیزه زیادی برای استفاده از این خدمت ندارند. خود این پدیده یعنی کمبود تقاضا برای محصولات اقتصاد اسلامی معلول همان عواملی است که از ابتدای انقلاب تا کنون در کشور شاهد آن بوده‌ایم.

بنابراین باید تجدیدنظر اساسی در نحوه سیاست‌گذاریهای شورای مصلحت دستگاههای برنامه‌ریز، لوایح اقتصادی دولت، طرحهای اقتصادی مجلس شورای اسلامی پدید آید تا همه برنامه‌ها و مطالعات مزبور بر اساس موازین و کلاسهای اقتصادی اسلام صورت گیرد. همچنین، زمینهای تشویق بخش خصوصی چه هنگام اداره مؤسسات مالی و چه در مواقع انجام طرحهای اقتصادی برای بهره‌گیری از مطالعات و روشهای اقتصادی اسلام باید فراهم شود.

تجربه اسلام در آسیای شرقی و اسپانیا باید مدنظرمان قرار گیرد. بی جهت دین اسلام و نظامهای اقتصادی اجتماعی آن تشکیل یا منحل نمی‌گردند. تجارب پس از انقلاب زمینه خوشبینی را فراهم نمی‌آورد. بنابراین با توجه به الگوی ارائه شده برای این خدمت علمی و فرهنگی و پیشنهادهای ارائه شده باید تلاشی جدی برای هدایت اقتصاد کشور به سمت اقتصاد اسلام به عمل آورد.